

تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری

مهنوش کرمی^۱، شهره روشنی^۲، منصوره زارعان^۳

چکیده

امروزه تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، زمینه‌ساز افزایش حضور زنان در فضای شهری شده است؛ اما برخی نیازهای زنان، به‌ویژه در نقش مادری، در طراحی‌های شهری موردتوجه قرار نگرفته و حضور آنان در فضای شهری را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است. پژوهش حاضر به مطالعه چالش‌های مادری در فضای شهری با روش کیفی پرداخته است. جامعه هدف پژوهش شامل مادران ساکن شهر تهران بوده است که پانزده نفر از آنان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ملاک رسیدن به اشباع داده‌ها انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده است. در مجموع مادران تجربه رضایت‌بخشی از حضور در فضای شهری ندارند و با چالش‌هایی مواجهند که شامل پنج مقوله اصلی «عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت»، «عدم تناسب طراحی امکانات و فضاهای شهری با نیازهای مادر و کودک»، «هزینه‌بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری»، «آلودگی‌های فضای شهری» و «احساس نگرانی از حضور در شهر» است. در پایان نیز راهکارهایی برای رفع چالش‌ها پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی

زنان، مادری، تجربه زیسته، فضای شهری، تهران

-
- ۱- کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. m.karami1107@gmail.com
- ۲- استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) sh.rowshani@alzahra.ac.ir
- ۳- استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. m.zarean@alzahra.ac.ir
- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۸/۶

مقدمه و بیان مسأله

فضاهای عمومی هر شهر، بستر تجلی حیات اجتماعی و خصوصیات فرهنگی، سیاسی و فکری هر جامعه است که آرمان اولیه آن بر اساس تعلق همگانی و دسترسی برابر همه شهروندان بنا شده است. این فضاها منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و محصول اجتماعی است که با حضور انسان و فعالیت اجتماعی او معنا می‌یابد؛ از این‌رو حضور مداوم و قدرتمند برخی از گروه‌ها در این فضاها به تدریج با دمیدن روح عاملیت منحصر به فرد خود بر پیکره آن، موجب بروز اشکالی از کنترل، طرد و محرومیت در آن خواهد شد. یکی از مهم‌ترین نمودهای این نمایش قدرت، جنسیتی شدن فضا با شناخت جایگاه زن در قلمرو خصوصی خانه و تعلق مرد به حوزه عمومی است که در طول تاریخ، بسیاری از جوامع شاهد آن بوده‌اند. اگرچه امروزه تفکیک جنسیتی فضاها به گستردگی و شدت گذشته نیست؛ اما همچنان در سطوح خردتر و اشکال جدیدتر وجود دارد (فنی و احمدی، ۱۳۹۹: ۷۱).

انسان‌ها شهرها را می‌سازند؛ اما شهرها پس از آفرینش، تغییر نقش داده و انسان‌ها را می‌سازند و در واقع ویژگی‌های شهرهاست که با تأمین یا عدم تأمین نیازهای شهروندانش منجر به سرزندگی یا کسالت آنان می‌شود؛ پس فضای شهر هرگز نباید به گروهی خاص از ساکنانش اختصاص یابد و همه افراد باید از آن بهره‌مند شوند. زنان و نیازهای آنان در طراحی و ساخت فضای شهری نادیده گرفته شده است و برخورداری آنان از حق بهره‌مندی از شهر را با مشکل مواجه نموده است. اگرچه از دهه ۱۹۷۰ تلاش برای بهبود فضاهای شهری با هدف مناسب ساختن آن‌ها برای استفاده همه گروه‌ها آغاز شده است؛ اما امروزه همچنان با فقدان توازن در بهره‌مندی از فضاهای شهری برای مردان و زنان مواجهیم (برومند و رضایی، ۱۳۹۵: ۴۶). پژوهش‌های مختلف نیز حضور زنان در فضای شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به مسائل و مشکلات موجود در این زمینه پرداخته‌اند؛ یافته‌ها حاکی از عدم کیفیت مطلوب فضاهای عمومی شهر برای زنان (گرمسیری‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰)، دسترسی کمتر زنان به عرصه‌های عمومی مذهبی،

فرهنگی، ورزشی و تفریحی و امکانات شهری (فرحزاد و همکاران، ۱۳۹۹؛ شهبازی، ۱۳۹۸؛ رومینا و همکاران، ۱۳۹۷)، استفاده محدود زنان از فضای پیاده‌راه‌ها (فنی و احمدی، ۱۳۹۹)، عدم دستیابی زنان به فضاهای امن، سالم و بانشاط در مراکز خرید (خرمی روز و همکاران، ۱۳۹۹)، حضور کمتر زنان در پارک‌ها (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۷) و به طور کلی بهره‌مندی کمتر زنان در مقایسه با مردان از حق به شهر در استفاده از فضای شهری (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸) است.

امروز حضور زنان و تبیین نقش آن‌ها در شکل‌دهی فضاهای شهری به اندازه حضور مردان و سایر گروه‌های اجتماعی اهمیت دارد. عدالت جنسیتی در فضاهای شهری موضوعی است که در طراحی شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به دلیل طراحی فضاهای شهری با الگوهای مردانه، نیاز زنان اغلب نادیده گرفته شده است؛ بنابراین با توجه به اینکه فضاهای عمومی شهری به عنوان بستری برای پاسخ به نیازهای همه کاربران آن، اعم از زنان و مردان، در نظر گرفته می‌شوند. باید بر اساس نیازها و فعالیت‌های کاربران طراحی شوند (گرمسیری نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۹). یکی از مهم‌ترین نقش‌های زنان، نقش مادری است. بررسی نتایج حاصل از نظریات پژوهشگران حوزه‌های روانشناسی رشد، بیانگر آن است که سال‌های آغازین رشد، بالندگی و شکل‌گیری شخصیت و ابعاد روانی - عاطفی کودک، در گرو تعامل و ارتباط نزدیک با مادر است؛ اما با توجه به افزایش روزافزون زندگی شهری و توسعه ابعاد آن و لزوم حضور اجتماعی زنان به دلیل نقش‌های فردی و اجتماعی و حتی خانوادگی آنان در اجتماع نظیر اشتغال، تحصیل و سایر ضرورت‌های خروج از منزل، عموماً زنان دارای فرزند با محدودیت‌هایی مواجهند (فروزنده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳). در این میان مادران به دلیل نیازهای خود در جایگاه مادری به صورت مستقیم و نیاز فرزندانشان به صورت غیرمستقیم در فضای شهری، دچار مسائل متعددی می‌شوند و این امر چالش‌هایی را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین در طراحی و برنامه‌ریزی‌های شهری که با هدف تسهیل فعالیت اجتماعی و حضور زنان و بهبود شرایط و وضعیت زندگی آنان در

فضاهای شهری صورت می‌گیرد، مادران را باید گروه مستقلی به حساب آورد؛ زیرا آنان مطابق با تفاوتی که در چشم‌انداز خود نسبت به فضاهای شهری دارند، تفاوت‌های جدی در مسائل و نیازمندی‌های خود احساس می‌کنند (فاضلی و ضیاچی، ۱۳۹۳: ۹۰).

مسئله جمعیت امروز یکی از مسائل اساسی کشور است؛ و از این‌رو پرداختن به چالش‌های مادری به دلیل تأثیر آن بر تمایل به فرزندآوری اهمیت ویژه‌ای دارد. مطابق پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی که در سال ۲۰۱۰ انجام شده، در ۴۰ سال آینده - یعنی سال ۲۰۵۰ میلادی - درصد افراد بالای ۶۰ سال سالخورده‌گان جمعیت ایران به ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت (محمودی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)، که به معنای مواجهه کشور با سالمندی جمعیت است که به دلیل تبعات مهم آن به برنامه‌ریزی و مدیریت نیازمند است. تمایل به فرزندآوری در سطح کلان، تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در سطح خرد متأثر از تفکرات، انگیزه‌ها، تمایلات و گرایش‌های افراد است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۹)؛ بنابراین شناسایی موانع و معضلات فرزندآوری از قبیل چالش‌های مادری، می‌تواند گامی مهم در راستای ارائه راهکارهایی برای رفع این موانع و افزایش فرزندآوری باشد.

شناسایی چالش‌های مادری در فضای شهری از دیدگاه خود مادران، موجب شناخت بهتر مسائل و نیازهای واقعی آنان و در نتیجه یافتن راهکارهایی مناسب‌تر خواهد شد که با بهره‌گیری از آن‌ها در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، می‌توان در ایجاد بستری مناسب‌تر برای سهولت حضور مادران در فضای شهری گام برداشت. در این راستا با توجه به اینکه با بررسی‌های انجام‌شده توسط محققان، در مطالعات پیشین داخلی مطالعه‌ای میدانی یافته نشد که به چالش‌هایی پرداخته باشد که مادران در فضای شهری با آن مواجهند، این پژوهش با استفاده از روش کیفی، به مطالعه تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری پرداخته تا با شناسایی چالش‌های موجود از دیدگاه آنان، بتواند در راستای ارائه راهکارهایی برای رفع چالش‌ها گام بردارد.

مطالعات پیشین

بر اساس پژوهش پورحسین روشن و همکاران (۱۳۹۸) نادیده گرفتن مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌سازی و ایجاد فضاهایی صرفاً مردانه، منجر به کم شدن حضور اجتماعی و مشارکت زنان در فضاهای شهری شده است. یافته‌های پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادن میزان بهره‌مندی از حق به شهر در فضاهای شهری در مردان بیشتر از زنان است که ناشی از ماهیت جنسیتی شده فضاهای شهری و نابرابری‌های جنسیتی در شهر است. فنی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای شرایط کالبدی و خدماتی منطقه ۱۹ را پاسخگوی نیازهای روانی و جسمانی زنان باردار ندانسته و خدمات شهری، شرایط تردد، حمل و نقل و بهداشت شهری را برای خانواده، نامناسب و عملکرد مدیریت شهری را در تأمین نیازهای اولیه زنان باردار در فضاهای عمومی شهری، غیرمؤثر ارزیابی نموده است. بیضایی (۱۳۹۷) مهم‌ترین عوامل کالبدی و اجتماعی گوناگون منطبق بر نیازهای زنان در فضاهای شهری را آرامش، امنیت، نظارت اجتماعی محیطی، نفوذپذیری و دسترسی مناسب دانسته و معیارهایی چون تناسب بصری، زیبایی و هویت‌مندی را نیز در افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری برای حضور زنان مؤثر دانسته است. ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) مؤلفه‌های «امنیت محیطی، ایمنی، پاکیزگی محیط، حس تعلق و وابستگی به مکان، و زیبایی فضا» را اثرگذارترین عوامل ایجاد رضایتمندی از دیدگاه زنان در فضاهای عمومی شهری معرفی نموده‌اند. بارانی (۱۳۹۵) به کارگیری رنگ‌های متنوع در طراحی فضا و چیدمان مبلمان در پارک‌ها را، سبب بهبود ادراک زنان از محیط بیان نموده و استفاده از عوامل تحریک‌کننده حواس در طراحی فضا را نیز منجر به رضایت بیشتر زنان از حضور در فضای شهری دانسته است. پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) چهار عامل اصلی «ویژگی‌های کالبدی، دسترسی، امنیت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی» را به عنوان مشکلات زنان شهر ارومیه در فضای شهری عنوان کرده‌اند و پیشنهادهایی هم برای تحقق و بهبود این شاخص‌ها ارائه نموده‌اند. فاضلی و ضیاحی (۱۳۹۳) هشت ویژگی تهران امن، تهران راحت، تهران فعال، تهران مشارکتی، تهران فراغتی، تهران عادلانه، تهران زیبا و تهران دوستدار کودک را به عنوان معیارهای شهر

دوستدار زن معرفی نموده، به این نتیجه رسیده‌اند که موقعیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان در دیدگاه آنان، نسبت به شهر دوستدار زن، تفاوت‌های جدی ایجاد نمی‌کند و آنچه دیدگاه‌های متفاوت را ایجاد نموده، تفاوت موقعیت زنان از حیث خانه‌داری، اشتغال و مادری است. آنها همچنین معتقدند با وجود اقدامات زیاد در زمینه شکل‌گیری اشکال مختلف شهر دوستدار زن در کلان‌شهر تهران، به نظر می‌رسد برخی از این اقدامات صرفاً منطبق بر سیاست‌های کلان دولت بوده و به نیازهای واقعی زنان از جمله مادران و کودکان خردسال نپرداخته است که موجب ثمربخش نبودن این اقدامات برای عموم زنان شده است. آتائول^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای نشان دادند استانبول در حمایت از کودکان خردسال و مادرانشان در سه حوزه موفق نیست: دسترسی به فضایی که امکان فعالیت‌های مشترک مادران و فرزندانشان را برای بازی و اجتماعی شدن فراهم کند؛ آزادی تحرک شامل پیاده‌روی و استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی و مشارکت در اجتماع. آنان همچنین به این موضوع پرداخته‌اند که با توجه به اینکه وظایف مراقبتی مادران، چارچوب زندگی روزانه آن‌ها را تشکیل می‌دهد، زندگی روزمره شهری کودکان خردسال شامل رویدادهای درهم‌تنیده مادران و کودکان است؛ بنابراین فضاهای شهری که فعالیت‌های کودکان خردسال و مادر را ادغام می‌کنند، کارایی و آرامش ذهنی را هم برای مادران و هم برای کودکان در زندگی روزمره آن‌ها فراهم می‌کند. مطالعه‌ی جو^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، با هدف بررسی شکاف‌های جنسیتی در استفاده از فضای شهری در سئول، نشان داد الگوهای جمعیتی موقت برای زنان و مردان شباهت‌هایی دارند و هر دو در مناطق تجاری بزرگ‌تر از مناطق مسکونی بودند؛ به این معنا که تعداد زیادی از زنان مانند مردان در فعالیت‌های اقتصادی مشغول بودند. علاوه بر این زنان در مناطق مسکونی و مناطقی که مغازه‌های خرده‌فروشی محله، امکانات فرهنگی، پارک‌ها و فروشگاه‌های بزرگ به راحتی در دسترس بود، فعال‌تر بودند. این مطالعه با تجزیه و تحلیل چگونگی رخ دادن تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از فضا،

1 . Ataol

2 . Jo

توضیح الگوهای فضایی و استنتاج علل چنین تفاوت‌هایی، می‌تواند برای برنامه‌ریزی شهری در برابری جنسیتی در کره کمک کند. نتایج مطالعه متیوس^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در زمینه طراحی مجدد فضای شهری برای شیردهی مادران نشان می‌دهد که مادران شیرده با فشارهای روانی زیادی مواجهند و فضاهای شهری و محیط‌های خرید برای مادران شیرده اصلاً مناسب نیست؛ زیرا شیردهی مستلزم شرایط خاصی است که باید مورد توجه مسئولان شهری قرار گیرد. پردومو^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای درباره فضای کلی شهر نیویورک برای مادرپیشنهادهای نموده است از دیدگاه طراحی، حمل و نقل عمومی باید برای آسایش بیشتر مادران دارای کالسکه از طریق اضافه کردن آسانسور و پله برقی در سراسر سیستم مترو، به‌روز شود. از دیدگاه مدیریتی نیز یک سیستم قوی باید طراحی شود که نیازمندی مادران را در اماکن عمومی رصد کرده و برای رفع آن در اسرع وقت برنامه‌ریزی شود. همچنین برای فضاهای عمومی نیویورک باید یک شبکه بهداشتی، ایمن و قابل دسترس از سرویس بهداشتی عمومی ایجاد کرد. مطالعه بیبیجون^۳ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد جنسیت، یک نقطه کانونی مورد غفلت در تئوری و عمل، در شهرسازی است و با وجود چندین دهه پژوهش فمینیستی، دیدگاه‌های غالب در ادبیات حق بر شهر؛ توجه چندانی به نحوه جنسیتی‌سازی حقوق ندارند. وی معتقد است شناخت کامل‌تر مردمی که در داخل شهر معاصر همزیستی دارند و میانجی‌گری جنسیتی تجارب روزمره، می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را قادر سازد تا اشکال فراگیرتری را از مداخله در فضای شهری انجام دهند. لیلیوس^۴ (۲۰۱۷) مطالعه فضای شهری در زندگی روزمره مادران و پدران در مرخصی خانوادگی در هلسینکی^۵ به تفاوت‌های استفاده از فضا توسط زنان و مردان اشاره کرده است؛ به عنوان نمونه مادران مدیریت امور درباره بیرون رفتن را دشوارتر می‌پندارند. بسیاری از مادران نیز احساس می‌کردند که رسیدگی به گریه نوزادانشان در فضای عمومی و اتوبوس و ماشین دشوار است.

-
- 1 . Mathews
 - 2 . Perdomo
 - 3 . Beebeejaun
 - 4 . Lilius
 - 5 . Helsinki

بررسی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد بررسی تجربه‌ی زنان از مواجهه با فضای شهری، از موضوعات مورد توجه پژوهشگران بوده است. محققان حوزه‌ی معماری شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین شئون اثربخش در طراحی‌های مبتنی بر تأمین عدالت فضایی، به موضوع شاخص‌های طراحی شهری برای افزایش حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته‌اند؛ همچنین محققان حوزه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، سعی در بررسی ادراکات زنان در مواجهات آنان با تبعات شهرنشینی و ایفای نقش‌های متعدد در تحولات جوامع شهری داشته‌اند؛ اما در بررسی‌های انجام شده توسط محقق، در پژوهش‌های پیشین داخلی، مطالعه‌ای میدانی که به موضوع چالش‌هایی که زنان دارای فرزند در فضای شهری با آن مواجهند پرداخته باشد، یافته نشده؛ از این رو با توجه به ضرورت پرداختن به این چالش‌ها از منظر کنشگران اصلی (مادران)، پژوهش حاضر با روش کیفی به مطالعه‌ی چالش‌های مادری در فضای شهری از دیدگاه مادران پرداخته است تا با شناسایی چالش‌ها بتواند گامی در راستای ارائه‌ی راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها بردارد.

مبانی مفهومی

به طور کلی، فضاهای شهری عمدتاً به سه گروه فضای عمومی، فضای نیمه عمومی و فضای خصوصی تقسیم می‌شوند که در این پژوهش منظور از فضای شهری، فضای عمومی آن است؛ به فضاهایی که همه‌ی مردم اجازه‌ی دسترسی به آن‌ها را دارند و برای تأمین منافع عموم مردم ساخته شده‌اند پیاده‌روها، میدان‌های عمومی، پارک‌ها، کتابخانه‌های عمومی، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس از جمله فضاهای عمومی‌اند (افروغ، ۱۳۹۶: ۱۲). در حالی که تعاریف فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا و فعالیت‌های متنوع تأکید می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ امروزه اغلب فضاهای شهری تحت تأثیر ماهیتی جنسیتی شده، محدودیت‌هایی برای حضور و تحرک آزادانه‌ی زنان دارند (تمدن، ۱۳۸۷: ۳۴). تفاوت‌های جنسیتی در فضای شهری، می‌تواند منشأ بسیاری از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط شهر باشند (بندرآباد، ۱۳۹۷: ۱۱۰). پژوهش‌ها نشان

می‌دهد با اینکه طبق قوانین، محدودیتی برای حضور زنان در فضای شهر وجود ندارد، ادراک زنان و مردان از فضای عمومی متفاوت بوده و زنان در مقایسه با مردان، به صورت برابر از آن بهره نمی‌برند؛ گویا پیام‌هایی پنهانی وجود دارد که زنان در مواجهه با آن متوجه می‌شوند که اجازه و امکان ورود به برخی مکان‌ها را ندارند و این یعنی بهره‌مندی زنان، تحت تأثیر عواملی است (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۲۲۷). همچنین شیوه استفاده از فضا در زنان و مردان و نیز تجربه آنان در ارتباط با فضا تفاوت دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به تقسیم فضاهای شهری به دو دسته امن و ناامن توسط زنان اشاره کرد (الیاس‌زاده و ضابطیان، ۱۳۸۹: ۴۳) فضاهای شهری در شهرهای بزرگ در عین اینکه جذابیت‌های بسیاری دارند، هراس‌انگیز، ناامن و غریبه‌اند؛ به همین دلیل فضاهای شهری به دلیل نداشتن آسایش و امنیت کافی، به آن اندازه که برای مردان جذابند، برای زنان جذابیت ندارند. برخی از فمینیست‌هایی که رویکردهای ضد شهری دارند معتقدند از نظر تاریخی، مردان شهرها را می‌سازند و مدیریت می‌کنند و زنان در عرصه شهرسازی نیز مثل بسیاری از عرصه‌ها در حاشیه قرار دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷).

در دهه‌های اخیر مطالعات جنسیت به طور عام به مقوله فضا و به طور خاص به فضاهای معماری، شهری و موضوعاتی از قبیل چگونگی شکل‌گیری فضاهای کالبدی خصوصی و عمومی تحت تأثیر باورهای جنسیتی، پاسخگویی طراحی فضاهای معماری و شهری به ساختار جنسیتی تغییر یافته و الزامات تغییرات طراحی فضاهای معماری و شهری با هدف متناسب‌سازی با تغییرات هویت‌ها و ارتباطات جنسیتی پرداخته است (گلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

به دلیل محدودیت منابعی که فضا با آن مواجه است، وظیفه اصلی برنامه‌ریزان و طراحان شهری، توزیع و تخصیص عادلانه فضا برای همه بهره‌وران است؛ این همان عدالت فضایی در شهر است (داداش‌پور، ۱۳۹۳: ۳۵). عدالت اجتماعی در شهر به معنای حفظ منافع گروه‌های اجتماعی مختلف به طور عام و گروه‌های هدف به طور خاص از طریق توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌هاست (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۱۹). فضای

شهر باید بستری برای فعالیت تمام ساکنان آن باشد؛ از همین رو باید به تفاوت و شباهت‌های همه‌ی گروه‌های سنی، اجتماعی، جنسی و ... توجه داشته و فضایی ایمن و پایدار برای همه ایجاد نمود؛ فضا باید توان پاسخگویی به نیاز همه‌ی شهروندان و امکان تأمین تسهیلات و امکانات مورد نیاز همه‌ی افراد جامعه را داشته باشد و برای همه‌ی گروه‌ها قابل استفاده باشد (تمدن، ۱۳۸۷: ۳۴). یکی از این گروه‌ها زنانند که به دلیل نقش خانوادگی خود در فرزندپروری و حمایت و مراقبت از سالمندان و بیماران، در ارتباط با فضای شهری نیازهای خاصی دارند که توجه به آن ضروری است. توجه به نیازهای زنان در طراحی فضای شهری، به منزله‌ی به رسمیت شناختن و دعوت زنان به حضور در این فضاهاست که امکان مشارکت برابر همه‌ی گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. زنان در مقایسه با مردان مسئولیت‌ها، خصوصیات بیولوژیک و نگاه متفاوتی در ارتباط با فضا داشته و انتظار دارند با توجه به خصوصیات جنسی و نیازهای خاص روحی و عاطفی آن‌ها، امکانات خاصی را در نظر داشته و فعالیت‌ها و زندگی روزمره‌ی آنان را تسهیل نماید (تمدن، ۱۳۸۷: ۳۵).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده است. جامعه‌ی هدف پژوهش زنان دارای فرزندی بوده‌اند که در شهر تهران زندگی کرده و حضور در فضای عمومی شهر به همراه فرزندشان را تجربه کرده‌اند. با توجه به تنوع سبک زندگی شهری در کلان‌شهرها نسبت به شهرهای کوچک‌تر و با تراکم جمعیتی کمتر و دسترسی آسان‌تر پژوهشگر به کلان‌شهر تهران، این شهر به عنوان میدان مورد مطالعه قرار گرفته است. انتخاب مشارکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن حداکثر تنوع انجام شده است. محقق سعی در یافتن مواردی نموده که بتواند به طور عمیق‌تر و جامع‌تری به مطالعه‌ی مسأله‌ی پژوهش بپردازد. در این راستا از بین مادرانی که تجربه‌های حضور در فضای شهر به همراه فرزند خود را داشته، مادرانی انتخاب شده‌اند که فرزندان در سنین مختلف داشته‌اند و از اقشار مختلفی از نظر فرهنگی، اجتماعی و طبقه‌ی اقتصادی بوده و در محله‌های مختلف شهر تهران سکونت داشته‌اند.

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، مصاحبه عمیق با زنان دارای فرزند ساکن شهر تهران بوده است. سؤالات به گونه‌ای طراحی شده است تا بیشترین میزان رویارویی مادران با فضاهای شهری مورد توجه قرار گرفته و تجربه واقعی آنان را در برگیرد. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع هر مصاحبه با توضیحات محقق، مصاحبه‌شوندگان با شناخت اهداف پژوهش و آگاهی و رضایت کامل در مصاحبه شرکت نمودند؛ همچنین توضیح داده شد که در هر مرحله‌ای از پژوهش، می‌توانند انصراف دهند و مشخصات آن‌ها محرمانه خواهد ماند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و تلفنی انجام و با کسب رضایت از مشارکت‌کنندگان، کلیه مصاحبه‌ها به طور کامل ضبط و با ضمیمه یادداشت‌های پژوهشگر اجرا شده است. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۴۵ تا ۹۰ دقیقه بوده است. پژوهشگر تلاش کرده مانع از تحت تأثیر قرار گرفتن تحقیق با پیش‌داوری‌های ذهنی شود و برای تمرکز بر فرایند هدایت مصاحبه، از راهنمای مصاحبه استفاده کرده است و در حین مصاحبه نیز با استفاده از سؤالات روان و مثال‌های متعدد، برای حفظ تمرکز بر مسأله، سعی در تشویق شرکت‌کنندگان برای بیان هرچه بیشتر و بهتر جزئیات نموده است. پژوهشگر در طی فرایند مصاحبه، برای فاصله نگرفتن شرکت‌کنندگان از موضوع مصاحبه و نپرداختن به موضوعات حاشیه‌ای و بی‌ربط تلاش کرده و اگر شرکت‌کننده‌ای به هر دلیلی از موضوع مصاحبه خارج شده، مصاحبه‌کننده با طرح سؤالات مناسب، مصاحبه را به مسیر اصلی بازگردانده است. محقق طی گردآوری داده‌ها از یادداشت‌های تحلیلی برای ثبت مداوم ایده‌ها و افکار و هدایت نمونه‌گیری هدفمند، تنظیم پرسش‌های مصاحبه‌ها و تحلیل منسجم داده‌ها، استفاده کرده است. مصاحبه‌ها از خرداد ۱۴۰۰ آغاز و در مرداد ۱۴۰۰ با رسیدن به اشباع داده به پایان رسید. ملاک تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع داده‌ها یعنی تکراری شدن کدها و تکمیل ابعاد مقولات بوده است؛ بر این اساس پس از انتخاب اولین نفر و انجام مصاحبه، متن مصاحبه اجرا و کدگذاری شد. سپس دومین نفر انتخاب شد و پس از کدگذاری و تحلیل دومین مصاحبه، نفر بعدی انتخاب شد؛ به همین ترتیب مانند روند طی شده برای نفر

اول و دوم، با ۱۳ نفر مصاحبه شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات ۱۳ مصاحبه، به نظر رسید که با افزایش اطلاعات، مقوله‌ی جدیدی حاصل نمی‌شود؛ ولی برای اطمینان بیشتر، با ۲ نفر دیگر نیز مصاحبه شد و به این ترتیب در مجموع با ۱۵ نفر از مادران مصاحبه شد. سن مادران مورد مطالعه ۲۷ تا ۴۰ سال بوده است. سطح تحصیلات از دیپلم تا دکترا بوده و ۷ نفر خانه‌دار و ۸ نفر شاغل بوده‌اند. مشارکت‌کنندگان ۱ تا ۵ فرزند داشته‌اند و سن فرزندان از کمتر از ۱ سال تا ۱۳ سال بوده است. مشخصات مشارکت‌کنندگان به تفصیل در جدول ۱-۳ آمده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان

منطقه زندگی	سن فرزندان	تعداد فرزندان	مدت زمان تأهل	شغل	تحصیلات	سن	کد
شهری	۲ و ۴ و ۶ ساله	۳ فرزند	۸ سال	خانه‌دار	فوق‌لیسانس	۳۰	۱
منطقه ۲۱	۱ ساله	۱ فرزند	۱۱ سال	خانه‌دار	فوق‌لیسانس	۳۰	۲
منطقه ۲۱	۲ و ۵.۳ و ۱۰ و ۱۳ ساله	۴ فرزند	۱۴ سال	کسب‌وکار خانگی و کارآفرین	فوق‌لیسانس	۳۸	۳
منطقه ۲۱	۵.۲ و ۷ و ۱۱ ساله	۳ فرزند	۱۵ سال	خانه‌دار	دیپلم	۳۳	۴
منطقه ۱	۳ ماهه و ۶ ساله	۲ فرزند	۷ سال	خانه‌دار	فوق‌لیسانس	۲۷	۵
منطقه ۵	۶ ماهه و ۵.۲ و ۶ و ۱۰ و ۱۳ ساله	۵ فرزند	۱۴ سال	فرهنگی	لیسانس	۳۳	۶
منطقه ۷	۱ و ۴ و ۶ و ۹ ساله	۴ فرزند	۱۰ سال	فرهنگی	لیسانس	۳۲	۷
منطقه ۱۲	۸ و ۱۳ ساله	۲ فرزند	۱۷ سال	مربی ورزش	فوق‌دیپلم	۴۰	۸
منطقه ۴	۵.۵ ساله	۲ فرزند	۱۸ سال	معاون مدرسه	لیسانس	۳۹	۹
منطقه ۱۷	۳ و ۵.۵ ساله	۲ فرزند	۹ سال	معلم	فوق‌لیسانس	۳۵	۱۰
منطقه ۴	۵.۳ ساله	۱ فرزند	۸ سال	خانه‌دار	فوق‌دیپلم	۳۹	۱۱
منطقه ۸	۴ و ۷ و ۱۳ ساله	۳ فرزند	۱۵ سال	خانه‌دار	لیسانس	۳۸	۱۲
منطقه ۱۴	۵.۲ ساله	۱ فرزند	۵ سال	مدرس	لیسانس	۲۸	۱۳
منطقه ۴	۲ و ۶ ساله	۲ فرزند	۹ سال	استاد دانشگاه	دکتری	۳۷	۱۴
منطقه ۱۵	۵ ساله	۱ فرزند	۸ سال	خانه‌دار	فوق‌لیسانس	۳۴	۱۵

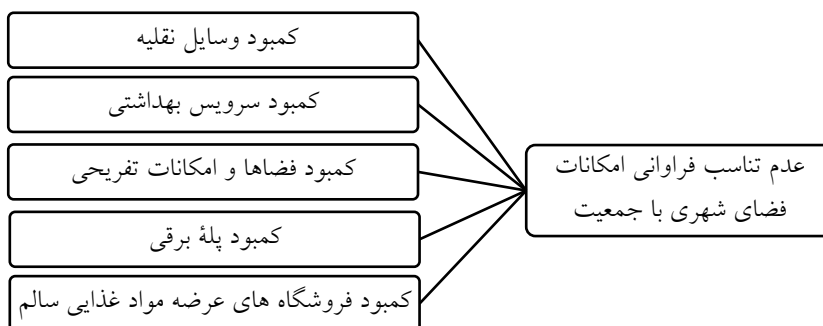
در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی با تکنیک تلخیص استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش سخن مشارکت‌کنندگان بوده است. بنابراین پس از انجام هر مصاحبه و نوشتن کامل متن مصاحبه، با استفاده از تکنیک تلخیص، کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها در چند مرحله انجام شده و محقق طی فرایند کدگذاری به جداسازی عبارات، مقوله‌بندی، ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها پرداخته است. در این پژوهش کدگذاری عبارت به عبارت صورت گرفته و سپس زیرمقولات با دسته‌بندی کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها شکل گرفته است. در گام بعدی با دسته‌بندی زیرمقولات، مقولات فرعی استخراج و در آخرین مرحله مقولات فرعی با دسته‌بندی بر اساس معانی و اشتراکات در قالب ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شده است.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان در ۵ مقوله اصلی «عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت»، «عدم تناسب طراحی امکانات و فضاهای شهری با نیازهای مادر و کودک»، «هزینه‌بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری»، «آلودگی‌های فضای شهری» و «احساس نگرانی از حضور در شهر» به بیان تجربیات خود از چالش‌های مادری در فضای شهری پرداخته‌اند. در ادامه مقولات و زیرمقولات به همراه نمونه‌هایی از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت

بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان، یکی از چالش‌های اصلی تناسب و توازن نداشتن تخصیص امکانات شهری به فراخور جمعیت مناطق در تمام محلات شهری است. تناسب نداشتن فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت، بیشتر در امکاناتی نظیر وسایل نقلیه عمومی، سرویس‌های بهداشتی، فضاهای سبز و تفریحی، پله‌های برقی و فروشگاه‌های تأمین اغذیه سالم گزارش شده که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- نمودار مفهومی مقوله «عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت»

«کمبود وسایل نقلیه»، یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی بوده که مادران با آن مواجهند. این مسأله به ازدحام جمعیت در وسایل نقلیه عمومی از قبیل اتوبوس و مترو منجر شده است که چالش نبود مکان نشستن و نداشتن تعادل در هنگام ایستادن در مترو و اتوبوس‌های شهری را برای مادران ایجاد کرده است. با توجه به قانون، اولویت نشستن در سیستم حمل و نقل شهری با سالمندان، معلولان و افراد کم‌توان بوده و تابلویی به این منظور در قطار و اتوبوس نصب شده است و تصویر مادری که کودکی در آغوش دارد نشان می‌دهد که مادران و کودکان جزو دسته سوم محسوب شده و باید حقوقشان رعایت شود؛ اما بعضاً به دلیل رعایت نکردن این حقوق توسط سایر شهروندان، مادران در شرایطی که یا باردارند، یا کودکی در آغوش خود دارند و یا فرزندانشان توان کنترل تعادل خود در هنگام حرکت مترو و اتوبوس را ندارند، مجبور به ایستادن شده که این امر برای آنان مشکل‌ساز بوده است؛ به طوری که بسیاری از مادران به دلیل مواجهه با این چالش، کلاً تصمیم به استفاده نکردن از سیستم حمل و نقل عمومی گرفته‌اند.

«بچه‌ها نمی‌تونن خودشون رو کنترل کنند و تعادل ندارند و می‌افتند. جای نشستن هم نیست معمولاً و در نتیجه ما اصلاً استفاده نمی‌کنیم. چون اصلاً قابل استفاده نیست برامون.» (شماره ۱۳)

«کمبود سرویس بهداشتی» در سطح شهر، از دیگر چالش‌های مادران در فضای شهری است. این مسأله نیز اگرچه جزو مسائلی است که همه شهروندان با آن مواجهند؛ اما نیاز کودکان به استفاده از سرویس بهداشتی نیازی است که باید در لحظه برطرف شود و کودکان امکان ساعت‌ها صبر کردن برای رسیدن به خانه را نداشته و مادران به دلیل نبود سرویس بهداشتی در همه جای شهر، همواره با چالش‌های جدی مواجهند و در برخی شرایط به دلیل ضرورتی که ایجاد می‌شود، برای پاسخ سریع به نیاز کودک مجبور به هدایت فرزندانشان به گوشه‌ای شده و با توجه به دغدغه‌های تربیتی و ملاحظات ناظر به آن، نگرانی‌های جدی پیدا می‌کنند. وجود این چالش در فضاهایی مثل مترو که زیرساخت لازم برای ایجاد سرویس بهداشتی ویژه مسافران را دارد، نشان‌دهنده بی‌توجهی طراحان به نیازهای فوری و ضروری گروه‌های خاصی همچون کودکان است. «کمبود فضاها و امکانات تفریحی»، از دیگر چالش‌های مورد اشاره مادران بوده است. بسیاری از مادران به دلیل آپارتمان‌نشینی و محدودیت‌های فضایی که با آن رو به رویند، برای امکان بازی کردن فرزندانشان چند روز در هفته از فضاهای سبز و پارک‌ها استفاده می‌کنند. مادران در برخی از مناطق تهران، با کمبود فضای بازی مواجه بوده و برای بهره‌مندی از این امکان ناچارند فرزندانشان را به محله‌های دیگر شهر ببرند. اغلب مادران ضمن اشاره به اینکه پارک‌ها متناسب با جمعیت محله‌ها طراحی نشده و شلوغند، از کم بودن تعداد وسایل بازی نظیر تاب گلایه‌مند بودند. این در حالی است که در بسیاری از پارک‌ها، فضای کافی برای طراحی و در نظر گرفتن بازی‌های بیشتر وجود داشته؛ اما طراحان به نصب دو یا سه عدد تاب بسنده کرده‌اند و بقیه فضای پارک‌ها به چمن‌کاری و گل‌کاری‌های کم استفاده که امکان بازی کردن بچه‌ها در آن‌ها وجود ندارد اختصاص یافته است.

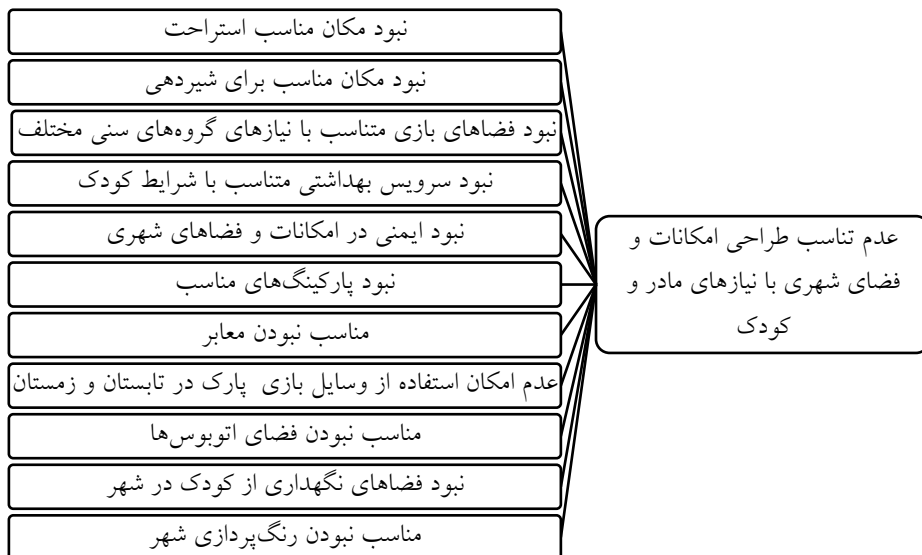
«کمبود پله برقی»، چالش دیگری بوده که مادران به آن اشاره کرده‌اند. مادران هم به دلیل حضور کودکان که نسبت به افراد بالغ از توان جسمی کمتری برخوردارند و هم به دلیل مسئولیت مادری و مراقبت از فردی جز خود که اقتضائات و نیازمندی‌های مضاعفی

دارد، طبیعتاً به سطح بالاتری از امکانات و رفاه شهری نیازمندند. حرکت روی پله‌ها نسبت به راه رفتن معمولی نیاز به صرف انرژی و توان بیشتری داشته و مادری که فرزندی در آغوش دارد و یا مسئولیت کودک یا کودکانی را عهده‌دار است، همواره با چالش‌هایی برای عبور از پله‌ها مواجه است. وجود پله برقی، سهولت بیشتری برای تردد ایجاد می‌کند؛ اما کم بودن پله برقی در مکان‌های پرتردد، پل‌های عابر پیاده، مراکز خرید، ایستگاه‌های مترو و سایر فضاهای شهری مسأله‌ای بوده که مادران از آن احساس نارضایتی داشتند.

«کمبود فروشگاه‌های عرضه مواد غذایی سالم» نیز برای مادران مسأله‌ساز بوده است. تأمین تغذیه سالم، از مهم‌ترین دغدغه‌های زندگی شهری برای ساکنان آن‌هاست. این دغدغه در مادران به دلیل نقش حمایتی و احساس مسئولیت در قبال سلامت خانواده و فرزندان بیشتر بوده و آن‌ها همواره پیگیر یافتن مواد اولیه ارگانیک و سالمند. امکان تأمین این مواد در کلان‌شهرها نسبت به شهرهای کوچک‌تر و روستاها کمتر بوده و فروشگاه‌های معتبر دارای این اقلام نیز به تعداد کافی در شهر وجود ندارند و برای عده‌ای از شهروندان به راحتی در دسترس نیستند.

عدم تناسب طراحی امکانات و فضای شهری با نیازهای مادر و کودک

بخشی از چالش‌هایی که مادران به آن اشاره داشته‌اند ناشی از نحوه طراحی شهری بوده که در این طراحی‌ها نیازهای خاص مادران و کودکان دیده نشده است. نبود مکان مناسب برای استراحت، نبود مکان مناسب برای شیردهی، نبود فضاهای بازی متناسب با نیازهای گروه‌های سنی مختلف، نبود سرویس بهداشتی متناسب با شرایط کودک، نبود ایمنی در امکانات و فضاهای شهری، نبود پارکینگ‌های مناسب، مناسب نبودن معابر، عدم امکان استفاده از وسایل بازی پارک‌ها در تابستان و زمستان، مناسب نبودن فضای اتوبوس‌ها، نبود فضاهای نگهداری از کودک در شهر و مناسب نبودن رنگ‌پردازی شهر، از مهم‌ترین چالش‌های مورد اشاره مادران بوده که در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲- نمودار مفهومی مقوله «عدم تناسب طراحی امکانات و فضای شهری با نیازهای مادر و کودک»

«نبود مکان مناسب برای استراحت»، از چالش‌هایی بوده که مادران در فضای شهری با آن مواجه بوده‌اند. در کلان‌شهر تهران اغلب، شهروندان برای انجام کارهای روزمره و یا تردهای معمول شهری، به طی مسافت‌های بیشتری نیاز داشته و همچنین به دلیل گستره محیطی وسیع بسیاری از فضاهای شهری مثل بازارها، مراکز خرید، پارک‌ها، مراکز درمانی، مادران باردار و مادرانی که با فرزندان خود در فضای شهر تردد می‌کنند به دلیل خستگی زود هنگام خود و کودکان نیاز به استراحت پیدا کرده و در بسیاری از موارد از یافتن جایی برای استراحت کوتاه ناکام می‌مانند. وجود نیمکت‌هایی ساده در مکان‌های مناسب، می‌تواند به بهتر شدن طراحی شهری متناسب با نیاز مادر و کودک کمک نماید. بسیاری از مادران از نمازخانه‌ها و مساجد برای این منظور استفاده می‌کنند، که البته

مساجد و نمازخانه‌ها نیز اغلب در ساعات خاصی باز بوده و به صورت تمام‌وقت قابل استفاده نیستند.

«نبود مکان مناسب برای شیردهی»، از دیگر مشکلات مادران هنگام حضور در شهر بوده است. وقتی مادر با کودک شیرخوار خود از حریم خصوصی خانه خارج می‌شود، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های وی تأمین به‌موقع نیاز تغذیه‌ی فرزندش در فضای عمومی است. وجود مکان‌هایی برای شیردهی مادران در فضاهای شهری امری ضروری به نظر می‌رسد.

«نبود فضاهای بازی متناسب با نیازهای گروه‌های سنی مختلف»، از دیگر مسائل مورد اشاره‌ی مادران بوده است. در بسیاری از پارک‌ها و فضاهای بازی سطح شهر، مکان‌هایی با تعدادی تاب و سرسره وجود دارد که ویژه‌ی بازی کردن کودکان رده سنی نوپا و خردسال است. طبق گفته‌ی مادران، کودکان ۶ سال به بالا اغلب جذابیتی در بازی کردن با تاب و سرسره نمی‌بینند و حتی اگر قصد استفاده از این بازی‌ها را داشته باشند، تاب‌ها و سرسره‌هایی متناسب با جثه‌ی آنان وجود ندارد و در چنین شرایطی اقدام به بازی با وسایل موجود نموده و به دلیل عدم تطابق این وسایل با وزن و جثه‌ی آن‌ها، باعث آسیب دیدن این وسایل می‌شوند. این در حالی است که کودکان سنین بین ۶ تا ۱۲ سال و نوجوانان در زمان استفاده از فضاهای بازی و پارک‌ها، اقتضائات و نیازمندی‌های خاص خود را دارند پس باید بازی‌هایی متناسب با نیاز و ویژگی‌های خودشان طراحی شده باشد که بتوانند از این فضاها بیشتری ببرند. به دلیل نبودن بازی‌هایی متناسب با سنین پس از خردسالی، اغلب این کودکان و نوجوانان در فضاهای پارک‌ها صرفاً به گردش و قدم زدن و یا دوچرخه سواری پرداخته و فقدان طراحی‌هایی متناسب با نیازمندی‌های روحی و جسمی آن‌ها در این فضاها، موجب نگرانی‌ها و چالش‌هایی برای مادران شده است. آنان از اینکه فرزندانشان بعد از سن ۶ سالگی، امکانی برای گذران اوقات فراغت، تحرک و صرف انرژی به صورت روزمره و نشاط یافتن در فضاهای شهری فعلی را ندارند ناراضی‌اند و از آن به عنوان چالش یاد می‌کنند.

«نبود سرویس بهداشتی متناسب با شرایط کودک»، چالش دیگری است که مادران در فضای شهر با آن مواجهند. در بسیاری از موارد کودکان به دلیل جتّه‌های کوچک خود، امکان استفاده از سرویس‌های بزرگسالان و روشویی‌ها برای شستن دست ندارند. علاوه بر این مادران برای تعویض پوشک، نیازمند سرویس‌های دارای میز تعویض پوشکند که امکان آبکشی و شستشوی کودک و دست‌ها را داشته باشد.

«ما رفته بودیم پاساژ، خیلی هم شیک بود؛ اما می‌خواستیم پوشک بچه رو عوض کنیم، هیچ فضایی برای این کار نبود؛ سرویس بهداشتی‌هایی خوبه که همه تخت تعویض بچه رو داشته باشن. روشویی‌ها اصلاً مناسب نیست، دو تا شیر آب کوتاه نمی‌گذارن تا بتونیم دست بچه‌ها رو بشوریم.» (شماره ۱۲)

«نبود ایمنی در امکانات و فضاهای شهری»، موجب احساس ناامنی مادران نسبت به حضور کودکان در فضای شهری شده است. طراحی محیطی که در آن کودکان رفت و آمد می‌کنند ضرورتاً باید با شاخص‌های استاندارد موجود مطابقت داشته باشند. پارک‌ها که به طور مشخص عرصه‌ای جدی برای حضور کودکانند، از این مواردند. علاوه بر پارک‌ها، نبود ایمنی در مکان‌های دیگر شهری که اختصاصاً ویژه کودکان نبوده و محل رفت و آمد همه افراد جامعه از جمله مادران است، نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد. مادران به فراخور نیازمندی‌های عمومی و اختصاصی خود مانند تمام شهروندان در همه فضاهای شهری حضور پیدا می‌کنند و به دلیل مسئولیت مراقبت از کودکانشان در مواجهه با فضاهایی که طراحی ایمنی ندارند دچار چالش می‌شوند؛ بنابراین توجه به طراحی ایمن در خیابان‌ها و معابر، وسایل حمل و نقل عمومی، ایستگاه‌ها، مراکز خرید و بازارها امری ضروری است. از دیگر مواردی که مادران به آن اشاره کرده‌اند، آب‌نماهای موجود در پارک‌ها با جاذبه‌های بصری عالی و امکان آب‌بازی برای کودکان است که عموماً به دلیل استفاده از تجهیزات برقی، خطر برق‌گرفتگی داشته و عملاً مکانی ناامن برای کودکان محسوب می‌شود. همچنین در فضای پارک‌ها و معابر، وجود تیرک‌های چراغ برق که جعبه تقسیم و سیم‌های آن باز و در دسترس است و امکان برق‌گرفتگی دارند، از

دیگر چالش‌های نبود ایمنی شهری برای مادران محسوب می‌شود. در طراحی بسیاری از نرده‌ها، پل‌ها، حفاظ‌های محوطه‌ی پارک‌ها، استاندارهای ایمنی برای حضور کودکان در نظر گرفته نشده و مادران دارای فرزند، به دلیل امکان به خطر افتادن کودکانشان دچار نگرانی می‌شوند.

«نبود پارکینگ‌های مناسب»، دیگر چالش مادران بوده است. وجود پارکینگ‌های مناسب در سطح شهر و نزدیکی پارک‌ها و مراکز خرید برای عموم شهروندان موضوع مهمی است؛ اما در مورد والدین و به خصوص مادران که مسئولیت فرزندانشان را به عهده دارند، وجود پارکینگ‌های مناسب و به اندازه‌ی کافی، بخصوص نزدیک پارک‌ها و مراکز خرید برای سهولت در تردد و دسترسی‌ها، اهمیت مضاعفی دارد، تا مادران بتوانند با آسودگی خاطر بیشتری با فرزندان خود در این اماکن حضور پیدا کنند.

«مناسب نبودن معابر»، چالش بسیار مهم دیگری است که مادران با آن مواجه بودند. مادرانی که با فرزندان خود به صورت پیاده یا با کالسکه در معابر تردد می‌کنند، عموماً از طراحی‌های نامناسب معابر، پیاده‌روها، پل‌های عابر پیاده و رمپ‌ها گلایه‌مندند. مشکلات برخی پیاده‌روها و مناسب نبودن آن‌ها برای عبور و مرور راحت عابران به‌ویژه مادران همراه با فرزند خردسال یا کالسکه، اعم از وجود پستی بلندی‌های زیاد و وجود موانع عبور که برای جلوگیری از ورود موتورسواران به پیاده‌رو و ... ایجاد شده، یکی از چالش‌های مادران بوده است.

«مشکل نبود پیاده‌رو مناسب داریم. اوتقدر پستی بلندی داره که نگو. من یه تیکه از پیاده‌رو میرم، بعد قطع می‌شه، باید از تو خیابون برم، باز دوباره برگردم تو پیاده‌رو. اصلاً برای کالسکه هم مناسب نیست.» (شماره ۳)

افراد معلول دارای ویلچر یا مادرانی که از کالسکه استفاده می‌کنند، برای عبور از پل‌های عابر پیاده، امکان استفاده از پله‌برقی را ندارند. در تعداد معدودی از پل‌های عابر پیاده در سطح شهر، بالابر ایجاد شده تا این افراد هم بتوانند با سهولت از پل عبور کنند؛ اما پل‌هایی که چنین امکانی ندارند، عملاً بهره‌وری لازم را برای عبور ویلچر و کالسکه

ندارند. در ورودی بسیاری از ساختمان‌های تجاری، اداری و مسکونی، رمپ‌هایی برای عبور راحت‌تر معلولان با ویلچر و عبور کالسکه تعبیه شده است؛ اما در طراحی رمپ‌ها، دقت کافی صورت نگرفته و اغلب شیب و حفاظ مناسبی ندارند.

«عدم امکان استفاده از وسایل بازی پارک در تابستان و زمستان»، مسأله دیگری بوده که مادران به آن اشاره کرده‌اند. وسایل بازی پارک‌ها هم در تابستان در معرض گرمای هوا و تابش مستقیم آفتاب قرار می‌گیرند و در زمستان حجمی از برف و آب باران روی آن‌ها می‌ماند پس امکان استفاده را از دست می‌دهند و در درازمدت مستهلک شده و زودتر دچار آسیب می‌شوند.

«مناسب نبودن فضای اتوبوس‌ها»، مشکل دیگری است که مادران به آن اشاره کرده‌اند. در مقایسه با سایر دستگاه‌های حمل و نقل شهری مانند مترو و اتوبوس‌های تندرو، استفاده از اتوبوس‌ها برای مادران با دشواری بیشتری همراه است. مواردی از قبیل نبود صندلی‌های کافی، توقف‌های زیاد، نداشتن کولر و تهویه مناسب، فاصله زیاد ایستگاه‌ها، نبود صندلی‌های مخصوص نشستن کودکان و بلند بودن پله‌های ورودی منجر به ایجاد مشکلاتی برای مادران شده است.

«نبود فضاهای مناسب نگهداری از کودک در شهر»، از دیگر چالش‌های مادری در فضای شهری بوده است. مادران در بسیاری از مواقع هنگام استفاده از فضاهای شهری، امکان همراه بردن فرزندانشان را ندارند و نیاز به سپردن آن‌ها به مراکزی امن و مناسب دارند. در گذشته در اغلب موارد، خویشاوندان و همسایگان، پاسخگوی این نیاز مادران بودند؛ اما امروزه که افراد مشغله‌های بیشتری دارند، اغلب خانواده‌ها از اقوام و خویشاوندان خود فاصله دارند و ارتباط بین همسایه‌ها نیز مانند گذشته نیست، مادران باید از مراکز نگهداری کودک در محله‌های خود استفاده نمایند؛ اما چنین مراکزی در تمام مناطق و محله‌های شهر وجود نداشته و در صورت وجود نیز، اغلب به صورت ساعتی و کوتاه‌مدت از کودک نگهداری می‌کنند.

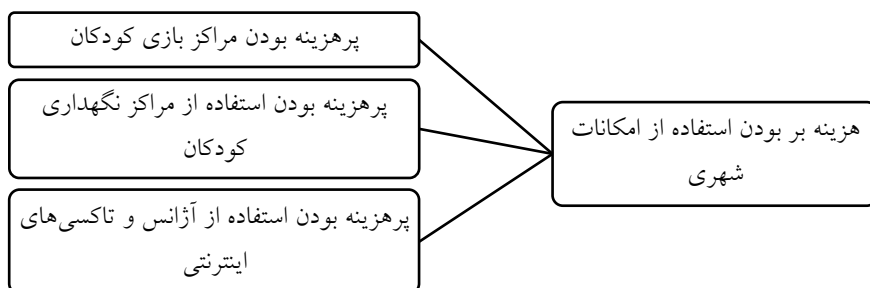
«بیشتر، مادرها میرن خرید. مراکز خرید باید جایی برای نگهداری از بچه‌ها داشته

باشن؛ جایی که مطمئن باشه و من با خیال راحت بچه رو بذارم. حتی تو مراکز دیگه شهری که رفت و آمد مادرها زیاده و اونجا توقف دارن، برای نگهداری بچه باید جایی رو در نظر بگیرن.» (شماره ۵)

«مناسب نبودن رنگ‌پردازی شهر»، مسأله‌ی دیگری بوده که مادران به آن اشاره کرده‌اند. مادران به دلیل فرزندانشان نسبت به رنگ‌پردازی فضای عمومی شهر نگاه جزئی‌نگرتری داشته و آن را عامل ایجاد حس سرزندگی و نشاط بیشتر خود و کودکانشان می‌دانند.

هزینه بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری

برخی از امکانات شهری که برای عموم شهروندان تعبیه و حتی امکاناتی که اختصاصاً برای سهولت و دسترسی بهتر مادران در فضای شهری ایجاد شده است، به دلیل پرهزینه بودن، امکان استفاده برای همه مادران را نداشته و بسیاری از آن‌ها به همین دلیل از آن محرومند. پرهزینه بودن مراکز بازی کودکان، پرهزینه بودن استفاده از مراکز نگهداری کودکان و پرهزینه بودن استفاده از آژانس و تاکسی‌های اینترنتی، از جمله این موارد است که در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳- نمودار مفهومی مقوله «هزینه بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری»

«پرهزینه بودن استفاده از مراکز بازی کودکان»، از چالش‌هایی بوده که مادران با آن مواجهند. پارک‌هایی که در سطح شهر به صورت عمومی وجود دارند، از طراحی‌های

ساده‌ای برخوردارند که اغلب نیاز به هیجان و بازی‌های خلاقانه کودکان را تأمین نکرده؛ و به همین دلیل شاهد آنیم که در بسیاری از موارد با هدف استفاده از این فرصت، عده‌ای در کنار پارک‌ها به صورت خصوصی فضاهایی با سرسره‌های بادی و وسایل برقی ایجاد نموده‌اند که والدین بعضاً مجبورند با صرف هزینه‌هایی از آن‌ها استفاده کنند و این در حالی است که این بازی‌ها اغلب استانداردهای کیفی لازم را نداشته و صرفاً رنگ و لعاب بیشتری دارند. از طرفی مراکز بازی باکیفیت و مبتکرانه‌ای که در سال‌های اخیر ایجاد شده‌اند، خصوصی بوده و هزینه‌هایی به مراتب سنگین دارند که پرداخت آن در توان بسیاری از خانواده‌ها نیست و مادرانی که امکان استفاده از چنین مراکزی را ندارند، دچار عذاب وجدان شده و احساس می‌کنند نتوانسته‌اند نیاز فرزندان خود را به خوبی تأمین نمایند.

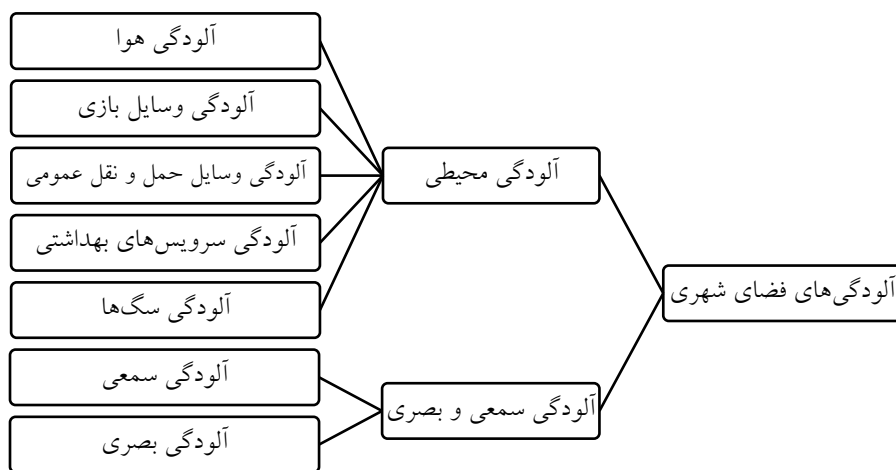
«به نظرم جاهای تفریحی برای بچه‌ها خیلی کمه؛ منظورم جاهای تفریحی رایگانه. اکثر مردم جامعه براشون سخته هفته‌ای یه درصد زیادی از حقوقشون رو برای تفریح بچه‌ها بذارن تا بچه‌ها بازی کنن.» (شماره ۸)

«پرهزینه بودن استفاده از مراکز نگهداری کودک»، چالش دیگری است که مادران با آن مواجه بوده‌اند. بسیاری از مادران برای برخی از امور که نیازمند حضور در فضاهای شهری است، امکان همراهی فرزندان‌شان را ندارند و نیازمند مراکزی برای نگهداری کوتاه‌مدت فرزندانند. این در حالی است که بسیاری از مراکز نگهداری از کودکان و مهدکودک‌ها پذیرش ساعتی ندارند و در صورت پذیرش، هزینه یک روز کامل را دریافت می‌کنند که صرف چنین هزینه‌ای برای مادری که قصد سپردن کوتاه‌مدت فرزند و انجام کار اداری یا خرید را دارد منطقی نیست.

«پرهزینه بودن استفاده از آژانس و تاکسی‌های اینترنتی»، مورد دیگری بوده که مادران به آن اشاره کرده‌اند. مادران به دلیل وجود محدودیت‌های که در حمل و نقل عمومی دیده می‌شود، در مواردی مجبورند برای تردهای شهری خود از آژانس و تاکسی‌های اینترنتی استفاده کنند و هزینه‌های نسبتاً زیاد این سرویس‌ها برای آنان دشوار است.

آلودگی‌های فضای شهری

برخی از چالش‌هایی که مادران به آن اشاره داشته‌اند، مربوط به وجود آلودگی‌ها در فضای شهری است؛ این آلودگی‌ها شامل آلودگی‌های محیطی و آلودگی‌های سمعی و بصری در فضای شهر بوده که در شکل ۴ نشان داده شده است.



شکل ۴- نمودار مفهومی مقوله «آلودگی‌های فضای شهری»

«آلودگی‌های محیطی»، از چالش‌های حضور در فضای شهری برای مادران بوده است. مادران به دلیل نقش حمایتی که در قبال کودکان دارند، دغدغه بیشتری نسبت به آلودگی‌های محیطی دارند. آلودگی هوا، آلودگی وسایل بازی، آلودگی وسایل نقلیه، آلودگی سرویس‌های بهداشتی و آلودگی ناشی از سگ‌ها، از جمله آلودگی‌های محیطی است که مادران در فضای شهری با آن‌ها روبرویند. «آلودگی هوا»، یکی از چالش‌های اصلی است که مادران با آن روبه‌رو هستند و مانع حضور آنان و فرزندانشان در شهر شده است.

«آلودگی وسایل بازی»، نیز از مهم‌ترین مشکلات مورد اشاره مادران بوده است و با توجه به شیوع ویروس کرونا در دو سال اخیر، این مسأله یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مادران درباره سلامت جسمی کودکان به حساب می‌آید.

«آلودگی وسایل حمل و نقل عمومی»، مصداق دیگر آلودگی‌های محیطی بوده است. مادرانی که تجربه استفاده از سیستم‌های حمل و نقل متداول (مترو و اتوبوس) را داشتند، عموماً یکی از عمده‌ترین مسائل را، نبود برنامه منظم و مستمر برای نظافت فضای داخلی و خارجی وسایل و وجود آلودگی‌های دائمی در آنها بیان کرده و ابراز نارضایتی نموده‌اند. «آلودگی سرویس‌های بهداشتی»، مسأله چالش‌ساز دیگر برای مادران بوده است. سرویس‌های بهداشتی، از جمله امکانات شهری محسوب می‌شود که مادران به دلیل نیاز بیشتر کودکان به استفاده، مواجهه بیشتری با آن داشته و نسبت به کیفیت آن دقیق‌تر و حساس‌تر از سایر شهروندانند. نبود برنامه‌ای ثابت و مستمر برای نظافت سرویس‌های بهداشتی عمومی، از مواردی بوده که مادران به آن اشاره داشتند.

«آلودگی سگ‌ها»، چالش دیگری بوده که مادران به آن اشاره کرده‌اند. تا سال‌های پیش پدیده سگ‌گردانی در بین قشر خاصی از افراد جامعه دیده می‌شد؛ اما در سال‌های اخیر این پدیده رواج بیشتری یافته است. از جمله مسائل حاصل از این پدیده، آلودگی‌های ناشی از حضور سگ‌ها در فضاهای عمومی شهر است. این حیوانات در فضای شهری و به‌خصوص پارک‌ها که محل رفت و آمد خاص کودکان است، تردد کرده و آلودگی‌هایی را در سطح معابر و پارک‌ها ایجاد می‌نمایند. کودکان که آسیب‌پذیری بیشتری دارند و در مراقبت‌های بهداشتی نیز ناتوان‌ترند، هنگام بازی، دویدن و نشستن روی چمن‌ها با دست زدن به صورت و دهان خود، به راحتی در معرض بیماری‌های ناشی از این آلودگی‌ها قرار می‌گیرند.

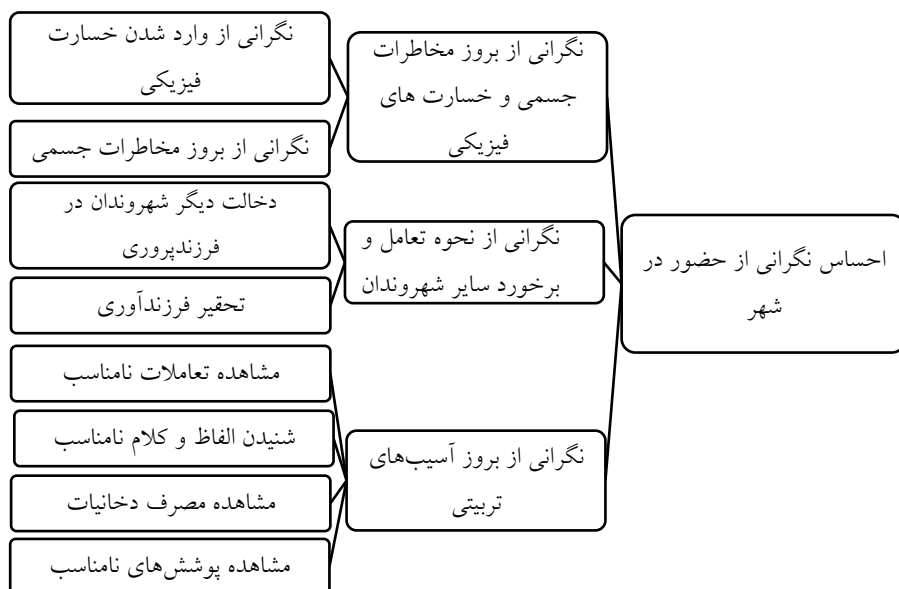
«نباید تو محلی که بچه‌ها بازی می‌کنن سگ بیارن؛ اما اصلاً مراعات نمی‌کنن که بچه کوچیک رفت و آمد می‌کنه. بچه به هر جایی از زمین دستش بخوره به احتمال زیاد آلوده است. بچه رو هم که دائم نمی‌تونن بگی، دستت رو به دهنش نزن.» (شماره ۴)

«آلودگی‌های سمعی و بصری»، از مواردی بوده که اکثر مادران به آن اشاره کرده‌اند. «آلودگی سمعی» ناشی از پخش آهنگ‌های تند و با صدای بلند که اغلب روشی برای جلب مشتری است برای بسیاری از شهروندان آزاردهنده بوده و بسیاری از کودکان هم از مواجهه با آن ترس دارند و عاملی برای سلب آرامش آنها و والدینشان به حساب می‌آید.

«آلودگی بصری»، حاصل از استفاده از نورهای تند و زنده که در تابلوهای تبلیغاتی واحدهای تجاری به کار می‌روند نیز موجب نارضایتی مادران بوده است.

احساس نگرانی از حضور در شهر

برخی از چالش‌هایی که مادران به آن‌ها اشاره داشتند از جنس نگرانی بوده است، نگرانی از بروز مخاطرات جسمی و خسارت‌های فیزیکی، نگرانی از نحوه تعامل و برخورد سایر شهروندان و نگرانی از بروز آسیب‌های تربیتی انواع نگرانی‌های مادران بوده است. بنا به سن کودک، سطح دغدغه‌مندی و رویکرد مادران در تربیت و مراقبت از فرزندان، سطوح مختلفی از این نگرانی‌ها وجود داشته که در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵- نمودار مفهومی مقوله «احساس نگرانی از حضور در شهر»

«نگرانی از بروز مخاطرات جسمی و خسارت‌های فیزیکی»، یکی از نگرانی‌های مهم مادران هنگام حضور کودکان در فضای شهری بوده است. مادران به «نگرانی از بروز

مخاطرات جسمی» از قبیل خطر تصادف، ربوده یا گم شدن کودک، آسیب دیدن در اثر برخورد با برخی وسایل در اثر چینش نامناسب و بروز آسیب از ناحیه سگ‌ها اشاره کرده‌اند. فوبیا و ترس از سگ، در بسیاری از افراد جامعه وجود داشته و در زنان و کودکان این ترس متداول‌تر است. ترس مادران از حمله احتمالی سگ به کودکان‌شان چالشی بود که در مصاحبه به آن اشاره کردند.

«نگرانی از وارد شدن خسارت فیزیکی»، به دلیل در دسترس بودن برخی امکانات شهری بدون حفاظ و یا در نظر نگرفتن احتمال حضور کودکان و چینش نایمن وسایل توسط کسبه و یا چیدمان دکور واحدهای تجاری که وسایلی آسیب‌پذیرند و طبیعتاً در صورت آسیب دیدن توسط کودکان، خسارات مادی زیادی برای مادران در پی‌دارند، از موارد مورد اشاره بوده است.

«نگرانی از نحوه تعامل و برخورد سایر شهروندان»، چالش دیگر حضور در فضای شهری برای مادران بوده است. بسیاری از مادران، فضاهای شهری را از نظر فرهنگی مناسب نمی‌دانند و برخی از رفتارها و تعاملات شهروندان را محل امنیت و آرامش روانی خود می‌دانند. «دخالت شهروندان در فرزندپروری»، یکی از این رفتارها بوده است. گاهی شهروندان از باب حسن دلسوزی و نگرانی‌هایی که ناشی از محبت به کودکان است، در مورد نوع پوشش یا تغذیه کودک یا نحوه تعامل مادر با کودک خود اظهارنظر می‌کنند؛ این امر از دیدگاه مادران، به منزله عدم توانایی آن‌ها در ایفای نقششان تلقی می‌شود و برای آنان فشار روانی به همراه خواهد داشت. عدم توجه شهروندان به اقتضائات کودک، ایفای نقش مادری و درک شرایط مادر و انتقاد از عملکرد مادر باعث ایجاد احساس اضطراب و نگرانی در مادر و نهایتاً به خطر افتادن امنیت روانی وی خواهد شد.

«تحقیر فرزندآوری»، رفتار دیگری بوده است که تجربه آن به شکل‌های مختلف، موجب نارضایتی مادران شده است. امکانات موجود در شهر، از جمله سیستم حمل و نقل عمومی برای استفاده همه شهروندان فارغ از جنسیت، سن، سطح فرهنگی و اقتصادی است؛ اما گویا تلقی بسیاری از افراد این است که افرادی که دارای تمکن مالی

پایین‌ترین‌ها از این وسایل استفاده می‌کنند و بعضاً با نگاه و رفتار و سخن‌های سرزنش‌آمیزی، نادرست بودن استفاده از این وسایل توسط زنان دارای فرزند و زنان باردار را به مادران انتقال می‌دهند و مادران تجربیات خوبی در استفاده از این وسایل نداشته‌اند.

«باردار بودم، مجبور بودم برم بیمارستان میلاد. با مترو می‌رفتم، صبر می‌کردم مترو خلوت بیاد تا برم. یه بار یه خانمی گفت نمی‌دونم اینا که پول ندارن یه آژانس بگیرن، مجبورن هی راه به راه بزان. با همین لحن گفت.» (شماره ۸)

علاوه بر این با توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی در بحث فرزندآوری و همراهی فکری و عملی جامعه ایرانی با شعار فرزند کم‌تر، زندگی بهتر، اغلب مقوله چندفرزندی به عنوان یک ضد ارزش تلقی شده و مادران دارای چند فرزند، از بی‌مهری‌های زیادی که شهروندان در تعاملات اجتماعی با آنها و فرزندانشان دارند، اظهار ناراحتی و گلایه‌مندی دارند.

مادری که با فرزندش در فضای عمومی ظاهر می‌شود، انتظار حمایت‌های مادی و معنوی از طرف سایر شهروندان را دارد. از طرفی امروزه شهروندان به دلیل مشغله‌های زندگی، اغلب از حوصله و تحمل کمتری برخوردار بوده و در مواجهه با کودکان و شیطنتها و رفتارهای کودکان آنها، به جای همدلی و همراهی با کودک و مادر و ایجاد فضای امن روانی برای آنها، با نگاه و کلام معترض خود، موجب رنجش و آزدگی مادر شده و او را با چالش رو به رو می‌سازند.

«نگرانی از بروز آسیب‌های تربیتی»، چالش دیگری بوده است که مادران هنگام حضور در شهر با آن مواجه بوده‌اند. بر اساس یافته‌ها، مادران در فضاهای شهری، فارغ از تقیدات مذهبی و با نظام‌های ارزش‌گذاری متفاوت، از نظر وجود امنیت اخلاقی، احساس ناامنی می‌کنند و بعضاً مجبورند یا در شهر حضور پیدا نکنند و انزوا را ترجیح دهند یا همواره درگیر پاسخ به سؤالات فرزندان در زمینه رفتارهای نادرست مشاهده شده در فضای شهر باشند. «مشاهده تعاملات نامناسب» و «شنیدن الفاظ و کلام نامناسب» از عواملی بوده که نگرانی مادران از بروز آسیب‌های تربیتی با حضور در شهر را موجب شده است. «مشاهده»

مصرف دخانیات» و «مشاهده پوشش‌های نامناسب» در فضاهای عمومی شهر نیز، موجب نگرانی مادران از احتمال الگوبرداری فرزندان‌شان شده است.

«من خودم آدم مذهبی نیستم و بحث حجاب و اینا ندارم کلاً، ولی وضعیت خدایی خیلی بد شده. بی‌حجابی نیست اینا، بی‌بندوباریه دیگه و تأثیر بدی روی بچه‌ها داره.» (شماره ۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به حضور گسترده مادران در اجتماع و تردد آنان در فضای شهری، وجود امکانات و تسهیلات مناسب برای مادران و کودکان در فضای شهری، امری لازم و ضروری است. این مطلب آن‌گاه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که ترغیب به فرزندآوری و افزایش جمعیت، از جمله سیاست‌های اساسی کشور است. این در حالی است که مادران و فرزندان‌شان در محیط‌های شهری با مشکلات جدی مواجهند و چه بسا فقدان شرایط مناسب برای تردد آسان، فضاهای ناامن و نامناسب، تمایل مادران به فرزندآوری بیشتر را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مادران در فضای شهری با چالش‌هایی مواجهند که می‌توان آن‌ها را در پنج مقوله کلی «عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت»، «عدم تناسب طراحی امکانات و فضاهای شهری با نیازهای مادر و کودک»، «هزینه بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری»، «آلودگی‌های فضای شهری» و «احساس نگرانی از حضور در شهر» قرار داد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد کلان‌شهر تهران با وجود تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر برای بهبود کیفیت فضای شهری و ارتقای شاخص‌های لازم برای حضورپذیری بیشتر زنان و کودکان نموده است، در این زمینه موفقیت چندانی نداشته و در بسیاری از موارد اگر بهبودی صورت گرفته برای قشر و گروه خاصی از زنان و در مناطق خاصی از تهران بوده و عموم مادران از آن بهره‌مند نبوده‌اند و این با یافته‌های پژوهش نوری و آرمیون (۱۳۹۵) که نشان داده بیشتر تلاش‌ها برای پیشرفت و بالاتر بردن کیفیت فضای شهری برای زنان، شاخص‌های

مطلوبیت را از جنس شاخص‌های کالبدی دانسته‌اند و تقسیم این امکانات را در شهر تهران ناعادلانه و مختص زنان طبقه بالای اقتصادی و فرهنگی معرفی نموده‌اند، همسوست. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیشترین نارضایتی مادران از فضای شهری، در زمینه نامناسب بودن این فضا برای کودکان آن‌ها بوده که برخی از مشخصه‌های فضای شهری مورد انتظار آن‌ها، ناظر بر مناسب‌سازی کمی و کیفی امکانات شهری برای بهره‌مندی بیشتر کودکان از آن بوده و برخی دیگر ناظر به امنیت روانی و فیزیکی کودکان است. در این راستا بهرام‌پور (۱۳۹۵) نیز معیارهایی را با عنوان «معیارهای شهر مناسب کودک» شامل ارضای کنجکاوی، آزادی، آموزش‌دهندگی، ارتباط با طبیعت، تعامل‌پذیری، محیط قابل‌درک، محیط بدون خشونت، ایمنی و امنیت و آزادی معرفی کرده است. مادران به دلیل مسئولیت فرزندپروری، نیازهای ویژه‌ای هنگام حضور در فضای شهری دارند و نتایج مطالعه فاضلی و ضیاچی (۱۳۹۳) نیز نشان داد یکی از عواملی که موجب تفاوت دیدگاه‌های زنان در زمینه ویژگی شهر دوستدار زن می‌شود، نقش مادری آنان است. مادران در پژوهش حاضر، برخی شرایط فضای شهری را برای حضور زنان باردار نامناسب بیان کرده‌اند و مطالعه فنی (۱۳۹۸) نیز شرایط کالبدی و خدماتی منطقه ۱۹ تهران را پاسخگوی نیازهای روانی و جسمانی زن باردار ندانسته و خدمات شهری و شرایط تردد و حمل و نقل و بهداشت شهری را برای خانواده، نامناسب و عملکرد مدیریت شهری را در تأمین نیازهای اولیه زنان باردار در فضاهای عمومی شهری، غیرمؤثر ارزیابی نموده است. پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) چهار عامل اصلی ویژگی‌های کالبدی، دسترسی، امنیت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی را به عنوان مشکلات زنان در شهر ارومیه عنوان کرده‌اند که همسو با یافته‌های پژوهش حاضر است. همچنین مادران در بیان چالش‌های حضور در فضای شهری به احساس ناامنی، دشواری دسترسی به برخی امکانات فضای شهری، طراحی نامناسب امکانات فضای شهری و آلودگی‌های فضای شهری اشاره کرده‌اند که همسو با یافته‌های بیضایی (۱۳۹۷)، ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) و بارانی (۱۳۹۵) است که امنیت، دسترسی مناسب، ایمنی،

پاکیزگی محیط، مناسب‌سازی مبلمان شهری، تناسب بصری و زیبایی فضا را در افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری برای حضور زنان و رضایت آنان مؤثر دانسته‌اند. امانی و همکاران (۱۳۹۸) به نقش سیاست‌های برنامه‌های توسعه در طراحی و برنامه‌ریزی شهری در راستای تحقق مفهوم شهر دوستدار زن پرداخته و از علل به تحقق نرسیدن این مفهوم چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، به تأکید برنامه‌های توسعه و سیاست‌های مرتبط با بحث زنان و خانواده بر نقش مادری زنان اشاره کرده و معتقد است سیاست‌های برنامه‌های توسعه، زن را با اولویت نقش مادری دیده و این امر باعث اتخاذ رویکردهایی برای کاهش مشارکت اجتماعی و حضور زنان در شهر گردیده و موجب عدم تحقق مفهوم شهر دوستدار زن در بعد عملی و نظری گردیده است. این در حالی است که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد مادران که به دلیل انواع فعالیت‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی خود، در فضای شهر حضور دارند، با طراحی و نوع برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری موافق نبوده و بسیاری از آن‌ها را مناسب حضور خود و کودکانشان نمی‌بینند و علت بروز اغلب چالش‌هایی را که با آن مواجهند، نبود سیاست‌های کلان با محوریت حضور مادران در شهر می‌دانند.

نتایج این مطالعه بیانگر تفاوت نگرش‌های زنان در مورد با مادری بوده و نقش آن در نحوه مواجهه با چالش‌ها بوده است. در برخی از مادران، وجود دیدگاه‌های مبتنی بر لذت‌گرایی، رفاه‌طلبی و از همه مهم‌تر فردگرایی‌های افراطی، نوع نگرش آنان به فرزندپروری را تحت تأثیر قرار داده و باعث ضعف آنان در مواجهه با چالش‌های موجود گردیده است؛ در مقابل مادرانی که درک صحیحی از مقوله مادری داشته و دیدگاه ارزش‌مدارانه و نگاه هویت‌بخشی نسبت به آن دارند، روحیه قوی‌تری داشته و با سعه صدر و نشاط بیشتری به حل چالش‌های پیش رو می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سطح تحصیلات مادران، لزوماً عاملی برای افزایش آگاهی‌های اجتماعی و تربیتی آنان نبوده و مادرانی با سطح تحصیلات پایین‌تر هم در فضای شهری حضور اجتماعی فعال داشته و برای بهبود کیفیت حضور خود و فرزندانشان برنامه دارند و در مواجهه با

چالش‌ها مثل بسیاری دیگر از مادران که از سطح تحصیلات بالاتر و مطالعات بیشتری برخوردارند، توان یافتن راه‌حل‌های خلاقانه را دارند. فارغ از مشخصه‌های اجتماعی و جایگاه اجتماعی مادران مثل سطح تحصیلات و اشتغال، مادرانی که از آگاهی‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند عموماً در برخورد با چالش‌ها مواجهات سختی ندارند. مادرانی که آگاهی‌های دانشی و مهارتی بیشتری داشتند مادران شادتر و کم‌چالش‌تری بودند. بسیاری از آن‌ها با دقت عالی، چالش‌های موجود را شناسایی کرده و با جزئیات بیان می‌کردند؛ اما اغلب برای برون‌رفت از آن‌ها راهکاری یافته بودند. علاوه بر این سبک فرزندپروری، در ادراکات مادران از چالش‌های فضای شهری نقش بسزایی داشت. مادرانی که رویکردهای سهل‌گیرانه‌تری داشتند، بهتر با محیط پیرامون خود و فرزندشان تعامل برقرار کرده و در مواجهه با مسائل چالش‌برانگیز، در پی یافتن راه‌حل‌های منطقی برای برون‌رفت از مسأله و کم کردن تأثیرات منفی چالش‌ها بودند. مادرانی که رویکرد سخت‌گیرانه‌ای در فرزندپروری دارند، عموماً نارضایتی‌های عمیق‌تری داشته و راه‌حل‌های پیشنهادی غیرمعقول و راهکارهای نامناسبی را می‌گیرند، برای مثال مادری که توانایی توضیح دادن درباره‌ی رفتارهای نامناسب سایر شهروندان برای فرزندش را ندارد و در عین حال نسبت به این مسأله، حساسیت جدی نیز دارد خود و فرزندش را از حضور در فضای شهر منع کرده است. همچنین مادرانی که نومادرنند و یا دارای فقط یک فرزندند، حساسیت‌ها و نگرانی‌های بیشتری دارند و هر مانع کوچکی را چالشی بزرگ می‌دانند؛ در حالی که مادران دارای چند فرزند و یا مادرانی که سال‌های بیشتری از مادر شدن آن‌ها می‌گذرد، به مسائل بنیادی‌تری اشاره می‌کنند و برای مسائل کوچک‌تر، راهکارهای ساده و راحتی می‌یابند؛ به‌طور مثال برای مصاحبه با مادری که دارای یک کودک زیر یک سال بود به دلیل حساسیت‌هایی که مادر در استفاده از تلفن همراه و خطرات احتمالی امواج آن برای کودک و همچنین برنامه‌های بسیار خاص و پیچیده‌ای که برای تغذیه و بازی کودکش داشت امکان تنظیم قرار مصاحبه به قدری سخت شد بود که مصاحبه در طی سه مرحله انجام شد و مادر بسیار گلایه‌مند و ناراضی از وضع

موجود بود تا جایی که به دلیل نداشتن خودروی شخصی برای تردد، اصلاً از منزل خارج نمی‌شد. در حالی که مادری که دارای چهار فرزند بود و از زمان مادر شدن او زمان بیشتری گذشته بود، با وجود اینکه خود از خانواده متمولی به حساب می‌آمد به همراه فرزندان خود از همه امکانات شهری استفاده می‌کرد و نارضایتی جدی‌ای نداشت. او حتی با چهار فرزندش از اتوبوس‌های شهری استفاده می‌کرد و استفاده از آن‌ها را برای بچه‌ها جذاب می‌دانست؛ این امر بیانگر لزوم آشنایی مادران با مهارت‌های والدگری و پرهیز از حساسیت‌های نادرست تربیتی در راستای بهره‌مندی هرچه بیشتر از فضاهای عمومی شهری بوده و نشان دهنده کافی نبودن مهارت مادران در مواجهه آنان و احتمالاً نبود امکانات کافی برای کسب این مهارت‌ها برای عموم مادران است. در این میان توجه به تأثیر حضور و نقش حمایتی همسران در مواجهه مادران نیز حائز اهمیت است؛ مادرانی که از حمایت عاطفی و مراقبتی خانواده و همسران برخوردارند، چالش‌های کمتری داشته و یا در مواجهه با چالش‌های مختلف، آسیب‌پذیری و نارضایتی کمتر و انگیزه و سرزندگی بیشتری در یافتن راهکارهای مناسب داشته‌اند.

با توجه به چالش‌های شناسایی شده، راهکارهایی شامل اصلاح سیاست‌ها و اهداف برنامه‌های توسعه در حوزه زنان و خانواده با محوریت افزایش حضور مادران و کودکان در اجتماع و فضاهای شهری، بهره‌مندی از نظرات و ایده‌های خود مادران در طراحی و تدوین برنامه‌های شهرداری، با استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد و کانون‌های شهروندی زنان در تعامل با شهرداری‌های مناطق، ایجاد فضاهایی در بستر سراهای محله شهرداری برای هم‌افزایی و جلسات متعدد و گفتگوی مادران با یکدیگر با هدف زمینه‌سازی برای حضور فعال و مؤثر آنان در مناسبات اجتماعی محله، تدوین قوانینی در ادارات دولتی و بانک‌ها برای پیگیری و ارائه خدمات خارج از نوبت به مادران و یا خدمات غیرحضوری به آنان برای کاهش تعداد و زمان سفرهای درون شهری، توجه ویژه به نیازهای مادران و کودکان در طراحی فضای شهری و امکانات آن از جمله معابر، سیستم حمل و نقل، پارک‌ها، سرویس‌های بهداشتی، مراکز تفریحی و تجاری و ... و

تدوین برنامه‌ی جامعی در راستای فرهنگ‌سازی و نهادینه‌شدن رعایت و وظایف و حقوق شهروندی با توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاق مدنی پیشنهاد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود برای افزایش آگاهی شهروندان و کاهش دغدغه‌ی مادران برای حضور در فضاهای شهری، نهادهای حاکمیتی، به حمایت از آثار فرهنگی و رسانه‌ای باکیفیت، با تمرکز بر شبکه‌های اجتماعی پرداخته و با استفاده از ظرفیت تولیدات و محصولات فرهنگ‌ساز از قبیل بازی‌های دیجیتال، انیمیشن، مستند و ... برای بیان ارزش فرزندآوری و نیز حق مادران، کودکان و نوجوانان بر استفاده از فضاهای شهری تأکید کنند. در این میان توجه به نقش‌آفرینی ظرفیت نهادهای مردمی، مجموعه‌های فرهنگی و اجتماعی و مساجد قابل تأمل است. تسهیل دسترسی در اماکن مختلف فضاهای شهری به مراکز دوستدار مادر و کودک با تأکید بر ظرفیت مساجد و امکانات شهرداری‌ها نیز می‌تواند راهگشا باشد. در راستای تقویت زیرساخت‌های تربیتی و حقوقی کودکان لازم است تا در سطح سیاست‌گذاری خلأهای قانونی اجرای سند ملی حقوق کودک برطرف شده و قوانین لازم تصویب و به اجرا درآید. کمک به تقویت و توسعه‌ی نهادهای مردمی حامی کودکان و مادران نیز می‌تواند اقدامی اثربخش باشد.

فهرست منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۹۶). *فضا و جامعه: فضای شهری و نابرابری اجتماعی ارائه‌ی الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*. تهران: نشر علم.
- الیاس‌زاده، سیدنصرالدین؛ ضابطیان، الهام. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه‌ی موردی: بخش مرکزی شهر تهران). *نشریه‌ی هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*. دوره ۲، شماره ۴۴. صص ۴۳-۵۶.
- امانی، مجتبی؛ خزایی، مصطفی؛ داورپناه، مسعود. (۱۳۹۸). *تحلیلی بر "شهر دوستدار زن" در ایران. جغرافیا و روابط انسانی*، دوره ۱، شماره ۴، ۵۰-۶۲.

ایزدی، ملیحه؛ محمدی، جمال؛ طاهری، زهرا؛ شیرخانی، حسینه. (۱۳۹۵). واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان. *جغرافیا و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۴۲، ۱۲۷-۱۴۳.

بارانی، مهشید. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی مبلغان شهری و تاثیر آن بر اجتماع‌پذیری فضای شهری برای زنان. *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری*. تهران: شهرداری تهران.

برومند، مریم؛ رضایی، سولماز. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی؛ نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران. *پژوهشنامه زنان*، سال ۷، شماره ۲، ۴۵-۶۱.

بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۷). جنسیت و تفاوت در ادراک محیط شهری؛ انگاره‌ها و معیارها. *جغرافیا*، سال ۱۶، شماره ۵۹، ۱۲۳-۱۰۹.

بهرام‌پور، عطیه. (۱۳۹۵). ایمنی و امنیت، حقوق گمشده کودکان در شهر. *دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم*، تهران. بیضائی، میترا؛ غروی، غنچه. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر حضور بانوان در فضاهای شهری و تحلیل اثرات تک‌جنسیتی شدن فضاها (نمونه پژوهش: بوستان بانوان ملت مشهد). *جغرافیا و روابط انسانی*، سال ۱، شماره ۳، ۸۳۸-۸۱۹.

پورحسین روشن، حمید؛ پورجعفر، محمدرضا؛ علی‌اکبری، صدیقه. (۱۳۹۸). تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری، مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت. *برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، سال ۴، شماره ۱۰، ۱۴۵-۱۱۵.

پورمحمدی، محمدرضا؛ خضرنژاد، پخشان؛ احمدی، پولاد؛ جهان‌بین، رضا. (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری با نیازهای زنان شهر ارومیه. *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۱، ۲۳-۴۰.

پورمحمدی، محمدرضا؛ روستایی، شهریور؛ خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی؛ نمونه موردی: شهر ارومیه. *زن و جامعه*، سال ۱۰، شماره ۴۰، ۲۲۲-۱۹۵.

تمدن، رویا. (۱۳۸۷). زنان و فضاهای شهری. *جستارهای شهرسازی*، شماره ۲۴ و ۲۵، ۳۴-۴۰.

خرمی روز، ریحانه؛ فلامکی، محمد منصور؛ نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۹). تبیین آفرینش تعادل جنسیتی در فضا (نمونه‌ی موردی: مرکز خرید شهر تهران). *اندیشه‌ی معماری*، سال ۴، شماره ۸، ۲۳۶-۲۲۱.

داداش‌پور، هاشم. (۱۳۹۳). *گفتمان عدالت فضایی در شهر*. تهران: نشر آذرخش.
رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳، ۲۲۷-۲۴۸*.
رومینا، ابراهیم؛ تیموری، قاسم؛ احمدی‌پور، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه‌ی فضا و عدالت جنسیتی؛ مطالعه‌ی موردی: منطقه ۶ شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، سال ۳، شماره ۴، ۱۶۲-۱۴۱.

سلیمانی، علیرضا؛ آفتاب، احمد؛ رضازاده، نرمین. (۱۳۹۸). طراحی فضاهای شهری با ارزیابی نگرش جنسیتی (مطالعه‌ی موردی: پارک بانوان نرگس ارومیه). *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، سال ۹، شماره ۲، ۱۷۷-۱۵۷.

شهبازی، امیرحمزه. (۱۳۹۸). قومیت، جنسیت و عملکرد فضاهای شهری در شهرهای چندقومیتی (مطالعه‌ی موردی: شهر زاهدان). *جغرافیا و توسعه‌ی فضای شهری*، سال ۶، شماره ۲، ۱۲۳-۱۰۹.

فاضلی، نعمت‌الله؛ ضیاچی، محدثه. (۱۳۹۳). شهر دوستدار زن، شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ۵، شماره ۳، ۸۵-۵۵.

فرحزاد، مریم؛ رفیعیان، مجتبی؛ کامیابی، سعید؛ ارغان، عباس. (۱۳۹۹). سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌های عمومی شهر تهران. *آمایش محیط*، شماره ۵۱، ۴۲-۲۳.
فروزنده، زهرا؛ میرخانی، عزت‌السادات، ایمانی، محسن؛ اسماعیلی نسب، مریم. (۱۳۹۵). واکوی تأثیرات زندگی شهری بر نقش مادری. *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری*. تهران: شهرداری تهران.

فنی، زهره. (۱۳۹۸). ارزیابی شهر پایدار از منظر شهر دوستدار خانواده و بانوان باردار، مطالعه‌ی موردی: منطقه ۱۹ شهر تهران. *شهر پایدار*، سال ۲، شماره ۱، ۲۹-۴۴.

فنی، زهره. احمدی، لیلیا. (۱۳۹۹). زنان و جست‌وجوی حق به شهر در پیاده‌راه‌های جنسیتی (مورد مطالعه: منطقه ۶ شهرداری تهران). *توسعه اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۱، ۱۰۰-۷۱.

کرمی، اسلام؛ بصیری، مصطفی؛ زینالی عظیم، علی. (۱۳۹۷). تحلیل طراحی فضاهای شهری ایمن برای زنان بر اساس تعاملات اجتماعی مادر و کودک (پارک بانوان آنا در تبریز). شهر / ایمن، سال ۱، شماره ۱، ۱۸-۱.

گرمسیری نژاد، سروش؛ خرم‌بخت، احمدعلی؛ موغلی، مرضیه. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه جنسیتی (مطالعه موردی: شهر جدید عالیشهر). *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۳-۱۲۹.

گلی، علی؛ زادولی، شاهرخ؛ زادولی، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز). *زن در توسعه و سیاست*، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۷۱-۱۸۸.

محمودی، محمدجواد. (۱۳۹۵). *سالخوردگی جمعیت: یک مسأله اجتماعی جمعیتی*. *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۹، شماره ۷۳، ۱۷۵-۱۵۳.

مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی*. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مرصوصی، نفیسه. (۱۳۸۳). *توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران*. پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۴، ۳۱-۱۹.

مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی‌تر*. *جستارهای شهرسازی*، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۹-۶.

نوری، شیوا؛ آرمیون، نگین. (۱۳۹۵). شهر دوستدار زن، سنجش میزان تحقق معیارها از تئوری تا عمل، (موردپژوهی: دو منطقه از شهر تهران). *همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری*، تهران.

نیازی، محسن؛ تورنجی پور، فاطمه؛ نوروزی، میلاد؛ عسگری کویری، اسماء. (۱۳۹۵). *فراتحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران*. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۲۹، ۶۹-۱۱۸.

Ataol, Ö., Krishnamurthy, S., Druta, O., & van Wesemael, P. (2022). Towards inclusive urban environments for infants and toddlers: Assessing four urban neighbourhoods in Istanbul with mothers. *Children & Society*, 00, 1-17. <https://doi.org/10.1111/chso.12566>.

- Beebeejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Jo, A., Lee, S., & Kim, J. (2020). Gender Gaps in the Use of Urban Space in Seoul: Analyzing Spatial Patterns of Temporary Populations Using Mobile Phone Data. *Sustainability*, 12, 6481. <http://dx.doi.org/10.3390/su12166481>.
- Lilius, J. (2017). Urban space in the everyday lives of mothers and fathers on family leave in Helsinki. *European urban and regional studies*, 24(1), 104-118. <https://doi.org/10.1177/0969776415619662>
- Mathews, V. (2019). Reconfiguring the breastfeeding body in urban public spaces. *Social & cultural geography*, 20(9), 1266-1284.
- Perdomo, Marivi. (2018, AUGUST 9) . 'The Inaccessibility of Motherhood in New York City' [Web log message]. Retrieved from:
<https://news.climate.columbia.edu/2018/08/09/inaccessibility-motherhood-new-york-city/>